

ماکس وبر

مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی

ترجمہی احمد صدارتی



فهرست

۹	مقدمه مترجم انگلیسی
۳۱	تذکرات مقدماتی
۳۳	درباره مفهوم جامعه‌شناسی و «معنی» رفتار اجتماعی
۷۱	صور ویژه رفتار اجتماعی
۷۷	مفهوم رابطه اجتماعی
۸۳	انواع رفتار اجتماعی: عرف، رسم
۸۷	مفهوم اقتدار مشروع
۹۳	انواع اقتدار مشروع: قرارداد، حقوق
۹۹	انواع اقتدار مشروع: سنت، عقیده، حقوق
۱۰۳	مفهوم مبارزه
۱۰۹	فرایند «جماعتی» و «جامعه‌ای» شدن روابط
۱۱۵	روابط اجتماعی «باز» و «بسته»
۱۲۳	تبیین رفتار اجتماعی: نمایندگی
۱۲۷	مفهوم گروه صنفی و انواع آن
۱۳۲	انواع اقتدار در گروه صنفی
۱۳۵	ماهیت اقتدار اداری و تنظیمی در گروه‌های صنفی
۱۳۷	ماهیت سازمان: سازمان صنفی، تجمع اختیاری و اجباری
۱۳۹	مفهوم قدرت و سلطه
۱۴۱	انواع گروه‌های صنفی سیاسی و مذهبی
۱۴۷	واژه‌نامه

درباره مفهوم جامعه‌شناسی و «معنی»^۱ رفتار اجتماعی

اصطلاح «جامعه‌شناسی» در معرض تفسیرهای فراوان و گوناگونی قرار دارد، اما در متن حاضر به معنای علمی است که می‌خواهد از طریق تفهیم تفسیری^۲ رفتار اجتماعی، به تبیین علل، سیر و معلول‌های آن دست یابد. کردار فقط تا زمانی «رفتار» انسانی تلقی می‌شود که فرد یا افراد عامل به نوعی کنش که دارای معنای ذهنی است، دست می‌زنند. چنین رفتاری ممکن است درونی یا برونی باشد و نیز امکان دارد که کنش یا انصراف از آن را شامل شود. اصطلاح «رفتار اجتماعی» را در مورد فعالیت‌هایی بکار خواهیم برد که برحسب معنا و مقصودی که افراد عامل برای آن قائل هستند با رفتار دیگران مرتبط باشد و بر اساس آن جهتگیری شود.

الف: مبانی روش‌شناختی

۱ - در این متن، کلمه «معنی» به دو مفهوم متفاوت بکار رفته است. نخست [به معنای موجود در] کردار بالفعل یک عامل خاص در وضعیت تاریخی معین دلالت می‌کند و یا نشانگر معنای کلی و تقریبی است که می‌توان آن را به تعداد معینی از افراد عامل نسبت داد. دوم، «نوع مثالی» معنای ذهنی که جنبه مفهومی دارد و به عامل فرضی یک نوع مفروض عمل

نسبت داده می‌شود. معنی را نمی‌توان در هیچیک از دو مفهوم فوق، بعنوان معنای «حقیقی» که به طور عینی «معتبر» و یا به لحاظ متافیزیکی قابل درک است، مورد استفاده قرار داد. مرز میان علوم رفتاری از قبیل جامعه‌شناسی و تاریخ، و نظامات اصولی^۳ همچون علم حقوق^۴، منطق، اخلاقیات و زیبایی‌شناسی که هدفشان تعیین معنای «حقیقی» و «معتبر» موضوع تحلیل‌شان است در اینجا قرار دارد.

۲ — مرز میان رفتار معنادار و رفتار عکس‌العملی^۵ محض (یعنی به لحاظ ذهنی بی‌معنا) فوق‌العاده سیال است. بخش قابل توجهی از رفتار مورد نظر جامعه‌شناسی که در اصل رفتاری صرفاً سنتی است، بین این دو نوع رفتار در نوسان است. کردار معنادار (یعنی به لحاظ ذهنی قابل فهم) اصلاً در بسیاری از فرآیندهای روانی — جسمانی نمود پیدا نمی‌کند و اگر هم بروز نماید فقط خبرگان قادر به تشخیص آن هستند. تجارب عرفانی^۶ را نمی‌توان در قالب کلماتی رسا بیان کرد بنابراین آنانی که در کوران این تجارب نبوده‌اند هیچگاه قادر به فهم کامل آنها نیستند. از سوی دیگر، توان انجام یک کنش مشابه پیش شرط تفهم نیست، به عبارت دیگر نیازی نیست «قیصر باشیم تا قیصر را فهم کنیم.» اینکه بتوانیم خودمان را در موقعیت فاعل کنش قرار دهیم فقط از نظر بداهت تفهم اهمیت دارد و بهیچوجه پیش شرط مطلق برای تفسیر معنادار نیست. بخش‌های قابل فهم و غیرقابل فهم یک فرآیند غالباً بطرز لاینفکی درهم پیچیده شده‌اند.

۳ — تفسیر در تمامیت خود همچنانکه علم بطور کلی برای دست یافتن به بداهت^۷ و اثبات قابل رسیدگی^۸ تلاش می‌کند. چنین اثبات

3- orthodox disciplines 4- jurisprudence 5- responsive 6- mystical
7- clarity 8- verifiable proof

تفهیمی دارای ماهیتی عقلانی یعنی منطقی و ریاضی است و یا سرشت آن به لحاظ احساسی همدلانه^۹ و از نظر هنری ارزش‌یابانه است. ما با درک فکری واضحی از عناصر موجود در بافت معنایی مورد نظر رفتار می‌توانیم به اثبات عقلانی آن دست یازیم. اثبات همدلانه در قلمرو رفتار از طریق مشارکت احساسی و دلسوزانه کامل حاصل می‌شود. قابل فهم بودن مستقیم^{۱۰} (بیواسطه یا حضوری-م) و بی‌ابهام (خاصه در رابطه با قضایای ریاضی و منطقی) عالیترین نوع تفهم عقلانی است. هنگامی که کسی از قضیه $2 + 2 = 4$ و یا قضیه فیثاغورث در زمینه استدلال یا احتجاج استفاده می‌کند و یا زمانی که زنجیره استدلال بطور منطقی و هماهنگ با شیوه‌های پذیرفته شده اندیشه بکار می‌افتد، ما به سهولت معنای آنها را می‌فهمیم. به همین ترتیب می‌توان اعمال فردی را که می‌کوشد با انتخاب وسایل مقتضی به هدف معینی نائل آید، فهم نمود، البته مشروط به اینکه کم و کیف وضعیتی که مبنای انتخاب اوست، برای ما آشنا باشد. هر نوع تفسیر از چنین کنشی که به لحاظ عقلانی هدفدار^{۱۱} است — و بمنظور فهم وسایل بکار رفته بعمل می‌آید — متضمن بالاترین درجه اثبات‌پذیری می‌باشد. این امکان برای ما هست که نه با این دقت و صحت بلکه به آن اندازه‌ای که برای اکثر مقاصد تبیین کافی است، خطاهایی (از جمله خلط مسائل) را فهم کنیم که یا خودمان در معرض ارتکاب آنها هستیم و یا می‌توان منشاء آن را از طریق خود کاوی دلسوزانه^{۱۲} کشف نمود. از سوی دیگر، بسیاری از «هدف‌ها» و «ارزش‌های» غائی را که تجربه نشان می‌دهد رفتار انسان ممکن است به سمت آنها جهتگیری شود، غالباً

9- empathic 10- direct intelligibility 11- purposeful
12- sympathetic self-analysis